

دفاع مظلومانه از یک حقیقت مظلوم !

نوشته ای از محمدامین (فروتن)

ره میخانه و مسجد کدام است ؟
که هر دو بر من مسکین حرام است
نه در مسجد گذارندم که رند است
نه در میخانه که این خمار خام است
میان مسجد و میخانه راهی است
بجوید ای عزیزان که این کدام است؟
برو عطار کو خود میشناسد
که سرور کیست سرگردان کدام است

هرگز قصد نداشتیم که در گرما گرم مصیبت های فراوانی که کشور و مردم بزرگوار ما دچار آن شده اند چشمان تیز بین آنان را از آنچه که نخستین فریضه تمامی اهل قلم و اندیشه محسوب می شود ، بسوی مسائل فرعی دیگری معطوف سازم ، و در راستای چنین هدف مقدسی نیز مبحث جدا گانه ای که عوامل اساسی و تاریخی بحران و فاجعه برسرزمین مان را از ریشه مورد بررسی قرار می گرفت سر دست داشتیم تا اگر بتوانم از آنچه که در طی سه دهه زندگی درد آلود مردم افغانستان که به قول معروف « گاهی در جیل و گاهی در ریل !! » با پوست و گوش خود لمس کرده بودم ، قطره ای و شمه ای از آن را به زبان خاموش مگر " مقدس قلم " بیرون بریزم ، که ناگهان دوستی برایم زنگ زد و مرا متوجه جعل و مسخ یک حقیقت تاریخی ساخت که به عنوان یکی از ملیون ها راه رو راستین و صادق آن گفتمان انسانی و اندیشه های عدالت خواهانه باید در سنگر یک دفاع مظلومانه قرار می گرفتم ، این بود که رها کردم و هرگونه تجزیه و تحلیل راجع به اوضاع جاری و فاجعه آمیز کشور را به فرصت دیگری موکول ساختم . داستان و حکایت چنین است : اخیراً در ماه نومبر ۲۰۰۵ کتابی بنام **DEVIL,S GAME** یا « بازی شیطانی » در ۴۰۰ صفحه با نشانی **ISBN:0-8050-7652-2** بقلم یکتن از روزنامه نگاران چپ امریکائی آقای **ROBERT DREYFUSS** که برای احزاب کمونیست دنیا آذوقه و تبلیغاتی تهیه میکند از سوی " فروزنده فرزاد " یکی از فعالین حزب توده ایران به فارسی روان و در ۳۴ قسمت عمده ترجمه شده و برای نخستین بار پس از انتشار در سایت رسمی حزب توده ایران به بازار کتاب عرضه گردید . در این کتاب دیدگاه های گوناگونی در مورد عوامل و چگونه گی حادثه یازدهم سپتامبر بیان گردیده است ، از آنجمله در بخش دوم این کتاب مطلبی زیر عنوان « از سید جمال تا مصباح یزدی ، اجداد انگلیسی بنیاد گرایان اسلامی ! » انتشار یافته است . به نظر می رسد آنچه را که آقای **ROBERT DREYFUSS** در « بازی شیطانی » در باره نقش سید جمال الدین افغان آن مصلح بزرگی به رشته تحریر در آورده است مغائر با حقیقت **اظهر من الشمس** است که از سوی محققان و جامعه شناسان نامدار دنیا اعم از چپ گرایان متجدد و دینداران سنتی ای که مباحث مربوط به تاریخ نهضت های صد سال اخیر نیم قاره هند و خاورمیانه را مورد بررسی قرار گرفته اند ، جا لب آنجاست که بخشی از همین کتاب « بازی شیطانی » که روی دیگر توطئه انتشار کتابی بنام « آیات شیطانی » است که از سوی سلمان رشدی نویسنده هندی الاصل انگلیسی نوشته و قبلاً در راستای مسخ حیات پیامبر اسلام (ص) به بازار آمده بود . از سوی برخی از چهره ها و شخصیت های سیاسی بویژه روشنفکری افغانستان بخاطر اثبات این حقیقت که گویا حادثه و المناک یازدهم سپتمبر سال ۲۰۰۱ میلادی نیویارک کار بنیاد گرایان مسلمانی است که از اندیشه ها و افکار پیشوایان متحجر مذهبی مانند سید جمال الدین افغانی پیروی می کنند ! . شاید بخاطر اینکه افکار عامه مردم مسلمان افغانستان بویژه روشنفکران دینی و اصلاح طلب این کشور را پس از سه دهه جنگ و خونریزی مورد آزمائش قرار داده باشند برای نخستین بار قسمتی از بخش دوم کتاب (بازی شیطانی) را زیر عنوان « از سید جمال الدین تا مصباح یزدی ، اجداد انگلیسی بنیاد گرایان اسلامی » به امضای خانم یا آقای " اوستا فرح " یک چهره نا شناخته میان

نویسنده گان افغان بنام « سیمای دیگر سید جمال الدین افغانی » و با یک مقدمه مختصر از نویسنده آن مطلب ، در تارنمای افغانی " پندار " منتشر گردیده است . نویسنده آن مقدمه مختصرکه وی آنرا « سیمای دیگر سید جمال الدین افغانی » نام گذاری کرده است در یادداشت خود چنین می نویسد :

« در این روزها ، در رسانه های واپس گرایان کهنه اندیش افغانی نوشته های در پیرامون شخصیت و اندیشه های سید جمال الدین ، پدر معنوی بنیاد گرائی اسلامی به نشر رسید . من به نقد آن نمیپردازم . در جهان آزاد ، هر شهر وند از حق آزادی بیان بر خوردار است . این بنیاد گرایان اند که انسان را بخاطر بر گردان قرآن به زندان میا ندازند و هرکه را خواستند ، تکفیر می کنند و ملحد می خوانند . من با سیمای دیگر سید جمال الدین آشنا هستم و خواننده نو اندیش را به خوانش نوشته ء ذیل فرا می خوانم . بنیاد گرایان افغانی در سالهای اخیر بیشتر به تشدید خصومت های قومی در بین شهر وندان با هم برادر ما پرداختند و تلاش ورزیدند تا با این وسیله پایگاه اجتماعی خود را در شمال و جنوب کشور مستحکم سازند . اما آنها دیگر به پایان این تراژیدی رسیده اند و اکنون راه دیگر جز تقویت کهنه اندیشی و سنتگرایی ندارند و بار دیگر میکوشند تا از دین به عنوان سلاح و نقاب برای تعمیم اهداف سیاسی خود کار گیرند . خانم یا آقای اوستا فرح پس از این سطور وظیفه نوشتن را تمام دانسته سپس میدان را به آقای فروزنده فرزاد برگردانده ء کتاب « بازی شیطانی » اثر یک ژورنالیست امریکایی آقای روبرت دریفوز **ROBERT DREYFUSS** واگذار می کند و بخش دوم کتاب « بازی شیطانی » را بصورت ناقص در تارنمای « پندار » تار نما و نشریه سیاسی ، و اجتماعی به نشر رسانده است . من در حد مجالی که امروز دارم نه تنها بر مبنای جامعه شناسی معرفت و با توجه به شرائط تاریخی و اجتماعی آن روز گار اندیشه های انسان سالارانه سید جمال الدین افغانی آن « آواره ء زنجیر شکن » را مورد ارزیابی قرار خواهم داد بلکه نخستین بخش قسمت دوم کتاب « بازی شیطانی » را نیز غرض معلومات خواننده گان ارجمند و تیز بین خود که اهمیت رعایت اصول و قواعد یک زبان را از لحاظ بکار گیری مناسب « مبتدأ و خبر » بویژه هنگامی که پای اثبات و تردید یک حقیقت تاریخی و تحقیقاتی در میان باشد درک می کنند نخستین بخش قسمت دوم کتاب « بازی شیطانی » نوشته ء آقای روبرت دریفوز **ROBERT DREYFUSS** را که توسط آقای فروزنده فرزاد به زبان فارسی برگردانده شده است و سپس با اضافه یک مقدمه یادداشت گونه به امضای خانم یا آقای اوستا فرح مغائر با تمامی پژوهش های که از سوی مراکز و شخصیت های معتبر و نامدار جهان در باره فلیسوف بزرگ شرق مرحوم علامه سید جمال الدین افغانی بنیان گذار جنبش اصلاحی و رنسانس اسلامی در کشور های آسیائی و خاور میانه به عمل آمده است بصورت ناقص در « پندار » تارنما و نشریه سیاسی ، و اجتماعی به نشر رسیده تقدیم خواهم کرد .

۱ : مبانی تیوریک آرمان های مرحوم علامه سید جمال الدین افغانی

مبانی فکری مرحوم علامه سید جمال الدین افغانی را بطور مستقل و در بستر شرائط عمومی جوامع شرقی آن زمان که مضمون اصلی اندیشه های آن مرحوم را تشکیل می دهد توضیح خواهم داد ، از سوی دیگر کاملاً طبیعی به نظر می آید وقتی نویسنده ، پژوهشگر و مؤرخ قصد کند تا مسائل تاریخی و سیاسی مربوط به گذشته ء ملتها بویژه در جهان سوم شرقی را توأم با نقش نخبه گان و رهبران آن جوامع ، از یک دید گاه بیطرفانه و بی غرضانه مورد ارزیابی قرار دهد ، چنانچه به ظاهر مشاهده می گردد مسأله ساده نیست . بنا بر این نخبه گان ، اید یولوگ ها و فلاسفه آرمان خواه و آرمان گرای مذهبی و یا غیر مذهبی اند که بر اساس اصول و مبانی اعتقادی و سیاسی خودشان را برای رهبری و هدایت یا اداره عمومی جوامع و ملتها آماده می سازند ؛ بدون شک این تیوریسن های آرمانگرای متفکری اند که برای رهبری جامعه استراتژی های بکر و نوی را با مقتضای شرائط و واقعیات های عینی روزگاری که در خیطه ء رسالت تمدنی و فرهنگی فلاسفه و نخبه گان جوامع بشری می آیند ، مطرح کرده یا هم باز شناسی و احیاء می کنند . زیرا عمومی ترین مفاهیم هر اندیشه و اید یولوژی آنها یی هستند که در ادبیات و جامعه شناسی به عنوان ارزشهای سیاسی نامیده می شوند و کم و بیش به عنوان اهداف استراتژیک یک دولت و رهبران فکری ملتها بجا آورده می شوند .

البته توضیح این مطلب ضروری است که امروز با رشد آگاهی و تعمیق شناخت انسان از پیچیده گی های روح و رفتار انسان ، رشد و گسترش روابط و مناسبات اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی ، مسائل روحی ، گرانیشات عرفانی ، احساسات و خلاقیت های ادبی و هنری و هزاران مقوله و مسأله در حیات اجتماعی - سیاسی - اقتصادی - فرهنگی بشر امروز "نسبیت اندیشه ها" که عمومیت یافته و "نسبیت ارزشها" مقبولیت گسترده پیدا کرده و حتی در مقوله "اخلاق" نیز مؤرخان و پژوهشگران روزگاری باید در هر بخش از احتیاط لازم کار گیرند ، بخصوص زمانی که بخواهند روش زندگی و اسلوب نخبه گان جوامع بشری را شناسائی و مورد نقد قرار دهند ، مؤرخان و تحلیلگران روزگار ما نباید این امر را از اذهان خویش پوشیده نگا هدارند که در فلسفه و اندیشه های نخبه گان اعم از دینی و غیر دینی ، جایگاه و مؤقیعت انسان باید به مثابه معیار و ملاک حقانیت فلسفه ها و اندیشه های شان در نظر گرفته شود . که بدون تردید میتوان مبنای تیوریک آرمان های فلیسوف و مصلح شهیر شرق مرحوم سید جمال الدین افغانی را نیز بر همین ملاک باید سنجید . همچنان برای ارزیابی و تحلیل عمیق اندیشه های مرحوم سید جمال الدین افغانی ویا هر متفکر دیگری ضروری است که عصر زیست سید جمال الدین مرحوم یا به عبارتی «جامعه شناسی معرفت» اوست که مؤرخان پاک اندیش این زمان و تمامی عصر های آینده را در راه جستجوی افکار آن بزرگ مرد رهنمائی خواهند کرد . همچنان به باور من ، جرعه ها و تپش های نبض زمان و روح تاریخ بشر نیز در تحلیل های محققان ، نویسنده گان و مؤرخان حقیقت بین این روزگار با غور شنیده شوند که انسان آن عصر و هر زمان دیگر از لحاظ جامعه شناسی تاریخی در کدامین مرحله ای از تکامل اجتماعی قرار دارد ؟ تا مبدا خدشه ای و شبهه ای نسبت به روش و اسلوب پژوهشی مؤرخان این روزگار بوجود بیاید که شاید مسأله تاریخی و مناسبات اجتماعی مربوط به ملت ها و جوامع بحران زده نیز به فورمول های جامعه شناسی این عصر مورد بررسی قرار گرفته باشند ! شاید خالی از اهمیت نباشد یا دآوری کنیم که یکی از رجال لذا در آغاز بیان مبنای تیوریک آن بزرگمرد به بررسی ویژه گی های فکری ، سیاسی ، اقتصادی و نیزمنشی وخصلتی علامه مرحوم می پردازیم.

الف : جامعه شناسی و روان شناسی شناخت محض!

از میان دیدگاه های گوناگونی که در مورد انسان وجود دارد یکی از آنها نگرش ایده آلیستی است که از چند دهه اخیر در افغانستان رواج پیدا کرده است بر اساس این نگرش انسان را همان اندیشه می داند (ای انسان تو همان اندیشه ای) این دیدگاه به "شناخت محض" معتقد است و انسان را به تعقل و خرد اش تقلیل می دهد . خرد و عقل یک وجه مهم و اساسی وجود انسان و یکی از جنبه های مهم حرکت تاریخ است . عقل و خرد و جهی است که انسان به شکل نیرومند به آن سو جهت می گیرد مرحوم سید جمال الدین افغانی وقتی در باره "انسان" صحبت می کند در واقع نخستین شالوده های قرآنی از اسلام را پی ریزی می کند به باور مرحوم سید جمال الدین افغانی «انسان ها را از دیر زمان به سبب ادیان ، سه اعتقاد و سه خصلت حاصل شده است ، که هر یکی از این خصلت ها رکنی است از ارکان برای قوام ملت ها و پایداری هئیت اجتماعی... نخستین آن عقاید ثلاثه اعتقاد است بر اینکه انسان فرشته ای است زمینی ، و او ست اشرف مخلوقات . . .» به باور علامه مرحوم ، همین سه خصلتی اند که موجب پدید آمدن سه باور عمیق در وجود انسان می گردد . و به عقیده وی ، «این سه باور و اعتقاد چیزی جز «حیا ، امانت ، و صداقت» چیزی دیگری نیست ، زیرا "حیا" صفتی است که آدمی را از دست زدن به کار ها و اعمالی که در خور سر زنش و نکوهش باشد باز میدارد و «این صفت ملازم شرف است و انفکاک یکی از دیگر نه شاید . و شرف نفس مدار نظام سلسلهء معاملات است و اساس درستی درستی پیمانها و استحکام تعهد ها و قول ها . و این شیمه عین شیمهء نخوت و غیرت است که به سبب اختلاف حیثیات ، به دو اسم نامیده شده است . "امانت" ، روح و جان معاملات و مبادلهء اعمال است و نیز صفتی است که در هر نظام سیاسی «چه جمهوری باشد و چه حکومت مشروطه و چه حکومت مطلقه» فعالیت چهار گروه اصلی دستگاه حاکم ، یعنی سپاهیان و قانونگذاران وگرد آورندگان مالیات و متصدیان صرف عوائد خزینة عموم ،

موقوف بر آن است تا فساد در اساس حکومت راه نیا بد . و سر انجام " صداقت " یا راستی صفتی است که از برکت آن هر فرد انسانی می تواند در کوشش برای بر آوردن نیاز های خویش و جبران نا توانی ها و کمبودی های خویش به رهنمائی و یاری دیگران اعتماد کند . بدون صداقت ، این رهنمائی و یاری سودی نخواهد داشت زیرا « کذب ، فریب را بعید و بعید را فریب وانموده ، نافع را به صورت مضر و مضر را به صورت نافع جلوه خواهد داد . » از آنچه که در بالا به مثابه مبادی و اصول زندگی مرحوم علامه سید جمال الدین افغانی بیان گردید به نظر می رسد بخش مهمی از دو دایره جهان شناسی و شناخت دینی راستین علامه سید جمال الدین افغانی و همچنان شناخت کسانی باشد که " علم گرای راستین " هستند . زیرا آن سید بزرگ هیچگاه قصد نداشت تا به تفسیر خشک علمی از دین بسنده کند و یا هم با تمسک به روش های متحجرانه و شبه علمی ضرباتی بر حقیقت دین وارد آورد ! چنانچه همه میدانند دکترین سیاسی و عملی زندگی آن دانشمند فرهیخته بر سه اصل زرینی مبارزه با (استعمار ، استبداد و خرافات) استوار بود که همین اصول به مشهور ترین شعار های اکثر نهضت ها و جنبش های آزادی خواهانه در جوامع اسلامی بویژه در شبه قاره هند و خاور میانه مبدل گشتند . اما مهمترین و در عین حال تأثیر گذار ترین کاری که سید جمال الدین افغانی در راستای تلاشهای علمی و اکادمیک خود به انجام رساند ، همانا نوشتن رساله « نیچیریه یا رد علی الدهریین » بوده است که پاسخ بسیاری مجهولات فلسفی آن زمان را با ارائه دلایل انکار ناپذیر و منطق رسای توحیدی بیان داشته اند . شاید به همین دلیل است که با وجود شعار های روشن و صریحی که شب و روز از زبان رسای سید جمال الدین افغانی شنیده می شد و علل پسمانی ملت های مسلمان را وجود استعمار بیگانه و رژیم های حاکم استبدادی که با استفاده از پدیده " جهل " مردم ، ملت های شرقی و اسلامی را می رنجانند و به کمک همد یگر غارت می کنند ، می دانستند ، هنوز هم برخی از بازمانده گان « واپس گرا و کهنه اندیش ! » همان نسل اول ماتریالیستی و مادیکری ، چون نویسنده و ژورنالیست امریکائی آقای **روبرت دریفوز ROBERT DREYFUSS** نویسنده اثر « بازی شیطانی » و هواداران منطقوی آنها که در بازار مکاره امروزی دنیای سرمایه داری بساط فریب و فساد را هموار کرده اند ، شخصیت والای آن بزرگمرد را نخستین عامل کینه ها و نفرت ها و انجام جنایات و قتل های می شمارند که چندین دهه پس از زندگی وی در شرائط دیگر تاریخی و در بستر جداگانه جغرافیای به انجام رسیده اند . و اضیح است که شرائط عینی و داخلی روزگار آن سید بزرگ ، با بافت عمومی دوران جدیدی که ما در آن به سر می بریم کاملاً در تفاوت است و امر مسلم نیز چنین است که در تصویر اینگونه شرائط متضاد اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی هر گز به قضاوت منصفانه دست نخواهیم یافت . زیرا نزدیک به یقین شبهه ای وجود دارد که محققین و پژوهشگران بزرگترین مراکز و مجامع دنیا در زمینه انتقال و انتصاب علت ها و معلول های حوادث تاریخی و اجتماعی دچار توهم شوند و اکثر عوامل حوادث و وقایعی را که در گذشته بویژه در قرن نوزدهم و اواخر قرن بیستم به وقوع پیوسته است به مقیاس فورمول بندی های وقایع و حوادثی که در زمان کنونی و عصر حاضر وقوع میابند ، محاسبه نمایند . اصولاً نیز هر محقق و نویسنده ای که علاقه مند به تحلیل و بررسی اوضاع گذشته کشور ها و ملت ها باشد باید خلایقیت اجتماعی و سیاسی ملت ها را آنگاهی که مورخ و تحلیل گر زمان معاصر و یا هر دوران دیگری از آن صحبت بعمل می آورند با فرامتر های ، « هوش و خرد » خود شرائط زمان گذشته جوامع انسانی را ارزیابی کند ، چنین مورخین و کارشناسان باید به کمک آنتن های نیرومند آگاهی و عقلانیت به عموم جهانیان اعلام کنند و نشان دهند که آنها در کجای تاریخ و زندگی استاده اند و باید با زبان فریاد های تمامی نسل ها بگویند ، حیواناتی نیستند که به ضرب چوب دستی بسوی راهی که شاید خود نخواهند بروند؟! مورخ روزگار ما باید نسل معاصر را نسبت به همه آنچه که از گذشته حیات ملت ها به ما رسیده اند با شک و تردید عادت دهند . بدیهی است که منظورم از ایجاد این « تردید » واقعیت های اساسی زندگی یک ملت نیست که از نسل به نسل و از سینه به سینه به مثابه زیر بنا های معنوی یک تمدن به میراث مانده اند ، بلکه هجوم بی رحمانه اتهامات و وجود غریزه های قدرت خواهی ، تشدید خصومت ها و تعصبات قومی اند که بصورت مصنوعی در مسیر نهضت های

استقلال طلبانه ملت های عقب نگاهداشته شده برپیشانی بزرگترین شخصیت های حوزه فکر واندیشه حک زده میشوند . شگفت انگیز است مردی را پایه گذار و تیوری پرداز جنایت و تعصب و کینه ها می شمارند که خود در راه مبارزه برای تحقق عدالت انسانی در سرتا سراین جهان ستمگر جان داد ، شخصیتی را بر تاریک اندیشی متهم میسازد که خود قربانی بزرگ ترین نوعی ازسیاه دلی سلاطین مستبد و دست نشانده کشور های منطقه گردید .

مردی که خود حین بازگشت به افغانستان مؤطن اصلی اش وضعیت آسف بار آن روز گار را چنین بیان می کند « طائفه انگریزیه ، اروسم می خوانند و فرقه اسلامیه ، مجوسم می دانند . سنی ، رافضی و شیعه ء ناصبی ، بعضی از اخیار چهار یار و هاییم گمان کرده اند و بر خی از ابرار امامیه ، بابی ام پنداشته اند و الهیان ، دهری و متقیان ، فاسق و از تقوی بری . عالمان ، جا هل نادان و مومنان ، فاجر بی ایمان انگاشته اند . نه کافر م به خود می خواند و نه مسلم از خود میداند . از مسجد مطرود و از دیر مردود . حیران شده ام که به کدام آویزم و با کدام به مجادله بر خیزم . از رد یکی اثبات دیگری لازم و از اثبات احدی اعتقاد اخیار بر آن جازم ، نه راه فرار که از دست این طا نفه گریزم و نه جای قرار که با این فرقه ستیزم . در شهر کابل ، در بالاحصار ، دست بسته و پای شکسته ، نشسته تا از پرده ای غیب چه بر آید و از گردش فلک دون پرور ، چه زاید . فی یوم

الجمعه فی ۱۳ شهر رجب ۱۲۸۵ « آری ! آقای **روبرت دریفوز ROBERT DREYFUSS** نویسنده رساله ای « بازی شیطانی » و مترجم فارسی آن آقای « فروزنده فرزاد » که با دشمنی با اسلام و انسانیت دست درازی دارند ، و سر انجام خانم یا آقای "اوستا فرخ" که ظاهراً در نوشته های خود با ارائه فقط « تذکره » افغانی بر هویت افغانی بودن خود می بالد و به مثابه کسی که گویا هیچ دانشمندی و هیچ مورخی به نکات مهم و حساسی که وی زیر نام « سیمای دیگر سید جمال الدین افغانی » مرقوم ساخته است پی نبرده اند وبا عجاله بی نظیری قسمت دوم رساله « بازی شیطانی » را بصورت ناقص غرض آگاهی !! نسل معاصر زیر همان عنوان یعنی « **سید جمال الدین و مصباح یزدی اجداد انگلیسی بنیادگرایان** » در یکی از تارنمایی های افغانی « پندار » انتشار داده است . تا نشان دهد که ها ی مردم دنیا ! این سید جمال الدین افغانی که امروز برخی از « واپسگرایان کهنه اندیش افغانی !!» وی را پایه گذار روشنفکری دینی یا به قول اوستا فرخ پدر معنوی همین بنیاد گرائی اسلامی میداند که گویا " در سال های اخیر بیشتر به تشدید خصومت های قومی در بین شهر وندان با هم برادر ما پرداختند و تلاش ورزیدند تا به این وسیله پایگاه اجتماعی خود را در شمال و جنوب کشور مستحکم سازند .!!" « من به سیمای دیگر سید جمال الدین افغانی ، آشنا هستم و خواننده نواندیش را به خوانش نوشته ذیل فرا می خوانم ...» آنگاه توجه خواننده را به قسمتی از بخش دوم رساله « **بازی شیطانی** » نوشته یک نویسنده امریکائی آقای **روبرت دریفوز ROBERT DREYFUSS** و ترجمه آقای فروزنده فرزاد معطوف میدارد . اما آنچه که در این میان برای من موجب تعجب و تأسف شد این است که چگونه یک حرکت سیاسی به ظاهر بزرگ وتاریخی مانند حزب توده ایران که در روزگاری نه چندان دور ، در امر پرورش کادرهای جوان حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، به حمایت و پشتیبانی بزرگترین ابر قدرت جهان (**اتحاد جماهیر شوروی سابق**) شتافته بود ، تا مرز اتکاء براینگونه اسناد و مدارک مجعول و مجهول که نه تنها در مورد دیگر کشور ها و جوامع انسانی ، بلکه اکثریت این مدارک و اسناد مربوط به کشوری ارائه شده است که حزب توده ء ایران به عنوان قدیمی ترین حرکت سیاسی دارای اندیشه های مارکسیستی ، لنینستی سنگ مبارزه و دفاع از آنرا میراث خونین خود محسوب می کنند ! اکنون سوال اینجاست که آیا به راستی هم نخبه گان فقید آن حزب چون آقایان دکتور تقی آرانی ، سلیمان میرزا اسکندری ، بزرگ علوی ، احسان طبری ، دکتر نورالدین کیانوری خلیل ملکی ، فریدون کشاورزو دیگر اعضای گروه ۵۳ نفره بنیا نگذارحزب توده ایران را که به عنوان نخستین حزب سوسیال دموکرات ایران با الهام از حزب بلشویک روسیه تزاری و خیزش های مشروطه خواهی در جامعه ایرانی تأسیس نمودند از تحلیل تاریخی اوضاع ایران چنان عاجز بوده اند که ناگزیر شوند باید بخاطرآموزش های تاریخ جامعه ایران اسناد و مدارک مجهول و مجعول نویسنده ء

امریکایی الاصل آقای **روبرت دریفوز ROBERT DREYFUSS** را به مثابه منابع قابل اعتباری مورد استفاده قرار دهند؟! شاید بتوان ادعا کرد که هواداران قریب به اکثریتی از نهضت های ملی و آزادی بخش اعم از نهضت های دینی و غیر دینی در کشور ایران به شمول حزب توده، چریکهای فدایان خلق، جبهه ملی ایران و همچنان در تاریخ معاصر نهضت آزادی ایران برهبری مرحوم مهندس مهدی بازرگان که برای ساختار یک ایران دموکراتیک و آزاد مبارزه می کردند، " نهضت ملی نفت در ایران" را که از سینه و خونین جنبش مشروطه خواهی در آن کشور برخاسته است و به روایت اسناد و مدارک معتبر و بیطرفی نه میتوان از نقش برارنده و مرحوم سید جمال الدین افغانی در احیای نهضت مشروطه خواهی به هیچ وجه چشم پوشی نمود افکار و اندیشه های انسان سالار آن بزرگمرد را با بازمانده گان نسل حجر همچون «**مصباح یزدی**» این فارغ "مدرسه حقانیه" قم و یکی از سلاله و «**انجمن حجتیه**» یکسان نه میدانند! اکنون بد نیست که مکتبی هم بر افکار و اندیشه های «**انجمن حجتیه**» که اکثریت آنها از شاگردان و فارغ التحصیلان "مدرسه حقانیه قم" محسوب می شوند داشته باشیم. تا باشد از درد این امانت و کوله باری از مظلومیت که در راه دفاع از اندیشه های مقدس و رهائی بخش مرحوم علامه سید جمال الدین افغانی بر شانه های من و تمامی راهیان صاف اندیش آن بزرگمرد سنگینی می کند، کاسته شود.

باز شناسی فکری انجمن حجتیه یا «نگهبانان سنت» در ایران!

در نخستین سال های دهه ۱۳۳۰ هجری شمسی تاریخ ایران یک روحانی عمده به سر بنام «**شیخ محمود ذاکر زاده تولائی معروف به حلبی**» اولین بنیاد **انجمن حجتیه مهدویه خیریه** را با عضویت چهار تن دیگر هر یک سید رضا آل رسول، سید محمد حسین عصار، سید حسین سجادی، و غلام حسین حاج محمد تقی تاجر گذاشت که در سالهای اخیر سید حسین افتخار زاده به سمت قائم مقامی انجمن حجتیه برگزیده شد. شیخ محمود تولائی که به «**حاج آقا حلبی**» شهرت داشت در سیزدهم جمادی الاول ۱۳۱۸ قمری مطابق با ۱۲۸۰ هجری شمسی در شهر مقدس مشهد به دنیا آمد و از آوان نو جوانی از نزد علمای بزرگ آنزمان که در حوزه ها و مراکز مذهبی مانند مشهد و قم در ایران مشغول تدریس علوم دینی بودند علوم، فقه، اصول و عقائد را آموخت. اصلیت این شخصه انجمن حجتیه اعتقاد بر «جدائی دین از سیاست» و مبارزه ایدئولوژیک با بهائیت بوده است. در ماده دوم از اساسنامه حجتیه آمده است که «**انجمن به هیچ وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت و نیز مسؤلیت هر نوع دخالتی را که در زمینه های سیاسی از طرف افراد منتسب به انجمن صورت گیرد، بر عهده نخواهد گرفت.**» مقصود سران انجمن حجتیه از این «تزااستعماری» تنها عدم مخالفت با رژیم شاه بوده که آزادی خواهان و اصلاح طلبان دینی و غیر دینی با الهام از جنبش مشروطه خواهی ایران به خاطر دیگرگونی نظام سلطنتی مبارزه می نمودند. بنابر این همان گونه که انجمن حجتیه باور دارد، برای به سرعت در آوردن «**پروژه ظهور امام زمان!!**» ازدیاد «**فساد و جنایت در زمین**» امر ضروری است!! بدون تردید این اقدامات زمینه های اجتماعی و رفع موانع، تحقق ایده «**ظهور امام زمان**» را نوید خواهد داد! و روی همین دلیل نیز نباید در امر اصلاح جامعه گام برداشت!! لذا به احتمال قوی تیورپی «**جدائی دین از سیاست**» مربوط به این انجمن نیز برخلاف سائر تیورپی ها و تزس های «**سیکولار**» در دنیا که بخاطر «**زدودن مذهب**» از حیات انسانی عملاً وجود دارند دارای تفاوت اساسی میباشد. زیرا تیورپی که به مثابه دکترین اصلی «**انجمن حجتیه ایران**» شناخته میشود بر اصول به ظاهر «**مذهبی**» و اسلامی استوار است که در حقیقت روی دیگر سکه ای از همان «**سیکولاریزم**» نامیده می شود که بنام «**ماتریالیزم**» و «**خرد گرایی!!**» تلاش میکنند تا پدیده ای بنام «**دین**» را نیز به مثابه یک نهاد «**قرون وسطی ای!!**» از تاریخ بشر حذف کنند؛ شگفت انگیز است که برخی از زمامداران جمهوری اسلامی ایران که همانا آخرین بازمانده گان نسل اول «**انجمن حجتیه**» به حساب می آیند همین اکنون و در روزگاری که بشر در آستانه ای قرن بیست و یکم قرار دارد عملاً در امر تیوریزه ساختن «**خرافات و موهومات**» و مختص ساختن میلیارد ها دالر از بودجه بیت المال مردم ایران برای اعمار و تأسیس یک پروژه بزرگ مگر موهوم ساختمانی بنام «**تأسیسات چاه جمران**»(۱) مشغول فعالیت اند!! البته توضیح این مطلب ضروری

است که امروز با رشد آگاهی و تعمیق معرفت انسان به پیچیده گی های روح و کائنات ، رشد و گسترش مناسبات اجتماعی ، مسائل روحی ، گرائیشات عرفانی ، و نفوذ و پرده برداری از مکوننات و تسخیر گام به گام هستی از سوی انسان این " خلیفه خدا در زمین " نه میتوان حتی **ارزش های دینی و باور های اعتقادی** مان را به مانند گذشته از کانال های تارو تاریک خرافات و موهومات وارد جوامع انسانی سازند ؛ هیچکسی نه میتواند از این واقعیت بزرگ تاریخی و اعتقادی انکار کند که علامه سید جمال الدین افغانی باور داشت ، « **استعمار غربی در شرق روشهای شگفتی برای سرکوب روحیه میهن پرستی به کار می بردند ، استعمار گران از تربیت ملی جلوگیری میکنند و فرهنگ شرقی را نابود می سازند** » به اعتقاد و باور سید جمال الدین افغانی « مذهب حقیقی و توحیدی » تجلی دهنده ، کرامت و شرف انسانی است که برتری ذاتی و فطری وی را بر دیگر مخلوقات نشاندهی می کند . سید جمال الدین افغانی به نقش بی نهایت انسان و هویت اش توجه دارد وی حتی انسان را به عنوان یک " علت " در مسیر زمان و جامعه ، یعنی سازنده بزرگ تاریخ و خویشتن خود می شمارد . لذا به رویت همین دیدگاه نسبت به انسان بصورت روشن و واضح عموم بشریت را آگاه میسازد که « هرگز وحدت جامعه بشری ممکن نیست مگر با داشتن تمامی فرایندهای هویت تاریخی یک ملت که در مسیر حیات اقوام و ملت ها به آن نائل می آیند . همچنان علامه سید جمال الدین افغانی استبداد داخلی را عامل دیگر عقب مانده گی تاریخی ملل و کشور های شرقی می شمارد که هرگاه با دلائل فراوان اجتماعی و سیاسی ملت های جهان منجمله کشور های اسلامی و شرقی نتوانند استعمار گران و اشغال گران خارجی را از خاکهای خویش بیرون رانند ، استعمارگران خارجی با تمامی قدرت و نیروی از مشروعیت بخشی تلاش می ورزند تا منافع و هدف های استعماری خویش را با گماشتن شبه حاکمان " هیچ کاره ای ، همه کاره " در قلمرو سرزمین های اشغالی خویش بدست آرند ؛ همچنان مرحوم سید جمال الدین افغانی نقش آگاهی ، معرفت و دانش را ستین و حقیقی را یکسان با دوعوا مل دیگر « استعمار و استبداد » که به مثابه عوامل بازدارنده و پیشرفت اقوام و ملت ها و با لایخیره امت و تاریخ دانسته می شوند مورد توجه عمیق قرار می دهند . مبارزه با « **خرافات و جهل** » یکی دیگر از دکتورین ها و اصول زندگی مبارزاتی خود قرار داده بود که این سه عوامل در ارتباط با هم ، سبب تضعیف ملت های شرقی شده اند . لذا مسلم است که در تیوری ها و فلسفه سیاسی زندگی مرحوم علامه سید جمال الدین افغانی از محدودیت و چرایی « استعمار ، استبداد و خرافات » بحث می شود ، شاید برای آنکه از نیروهای انحصار طلب و متحجر که کسب علوم و مبارزه با استبداد و استعمار و زدودن خرافات از دامن جوامع انسانی با لایخص کشور های شرقی و اسلامی همچنان مبارزه با جهل و خرافات این رسوبات طبیعی حاکمیت های ستمگر در کشور های اسلامی را میراث بلا منازعه نیا کان شان می شمارند جالب بوده باشد که امروز همین تیوری های که از عمق « فطرت » ملت ها الهام می گیرند ، چگونه از سوی دانشمندان و نخبه گان حرکت های چپ و مارکسیست در تاریخ ملت ها به مثابه تیوری های الهام بخش به جریان ها و حرکت های ملی و آزادی بخش منطقه بویژه در تاریخ پر آشوب جامعه ایران تلقی می گردد ، چنانچه مرحوم احسان « طبری » یکی از پایه گذاران و تیوری پردازان نامدار حزب توده ایران در یکی از مقالات اش که در شماره ۱۲ - دسامبر ۱۹۸۲ مجله صلح و سوسیالیسم چاپ پراگ پایتخت چکوسلواکیا که به قول ناشران آن مجله برای همه احزاب و نیروهای سوسیالیست ، مترقی و صلح دوست جهان منتشر می گردید به نقش نیروهای مذهبی در تحولات ایران اینگونه اشاره می کند : « ... برای پاسخ به این پرسش که چرا در ایران تلاش در جهت ایجاد تحولات اجتماعی در پایان دهه هفتاد قرن بیستم شکل مذهبی و بویژه " اسلامی " به خود گرفت - آنچه که در ایران از آن به عنوان " اسلام انقلابی " یاد می شود و اینکه چرا مذهب در این تحولات اجتماعی و حرکت ضد امپریالیستی در کشور ما یک چنین نقش قابل توجهی ایفا کرده ، بایستی در باره ویژه گی های عصر ما و به امکان بوجود آمده در این عصر در مبارزات رهائی بخش ضد امپریالیستی تحقیق شود . در عصر ما ، ایده آل های اجتماعی که در گذشته به اشکال مختلف و در آموزشهای مذهبی اسلامی پذیرفته شده و جا باز کرده اند ، چهار چوبهای جدیدی بخود گرفته و به

یک نیروی ایدئولوژیک مؤثر برای مبارزه با ستمگران داخلی و خارجی، برای احیای حقوق ملی و برای دستیابی به صلح، استقلال، آزادی و رهایی از بهره‌کشی تبدیل شده‌اند. امپریالیسم و ارتجاع می‌کوشند جنبش‌های مترقی و انقلابی را، بخصوص آن‌های را که تحت شعارهای اسلامی بوقوع می‌پیوندند، زیر ضربه برده، متلاشی کرده و از بین ببرند و یا آن‌ها را از محتوی تهی کرده و در جهت تقابل با کمونیزم و ترقی اجتماعی هدایت نمایند. برای رسیدن به این اهداف، آن‌ها بخصوص از سازمانها و جریان‌های مذهبی که توسط روحانیون مرتجع کنترل می‌شوند، استفاده می‌کنند. ما شاهدیم که طی سال‌های متمادی، حاکمان کشور‌های مختلف اسلامی، مذهب را وسیله‌ای برای تقویت موقعیت خود، ستمگران داخلی و غارتگران خارجی تبدیل کرده‌اند. مخالفین ضد انقلابی و مخالفین دیگرگونی‌های دموکراتیک، چهره واقعی خود را پشت نقاب جهاد مقدس در راه اسلام پنهان می‌کنند. به نظر می‌رسد که روی این نکته مهم باید تأکید نمود، که مذهب در بعضی کشورها ایدئولوژی نبرد طبقاتی را تشکیل می‌دهد و در مواردی به عنوان جهان بینی نیروهای انقلابی عمل میکند و یا جزئی از آن می‌باشد. **به سختی میتوان منکر شد که اسلام در بوجود آمدن جنبش‌های ملیونی مؤمنین برای رهایی از اختناق و سلطه خارجی سهم نداشته است. سازمان دهی که مذهب گاهی در جنبش‌های انقلابی در گذشته‌های دور تاریخ ایفا کرده، با یک جهت یابی جدید تحت شرایط کنونی بروز می‌کند.....** از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ بیش از یک ربع قرن سپری شد مردم ایران تجربیات شکست جنبش ملی شدن صنعت نفت و درس‌های که از آن گرفته بودند را در انقلاب ۵۷ به خدمت گرفتند از جمله اینکه نیروهای شرکت کننده در مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت موفق به ایجاد یک اتحاد وسیع بین نیروهای جنبش نه شدند و علت شکست جنبش نیز در واقع در همین تفرقه بود.... شکل مذهبی انقلاب ایران خواست‌ها و ویژگی‌های و همچنین محتوای اجتماعی و سیاسی آنرا تحت الشعاع قرار میدهد. این ویژگی انقلاب، البته باعث بروز تزلزل‌ها، عقب نشینی‌ها و گاه بی‌محتوای‌های آشکار نیز می‌شود. اتفاقاً به دلیل همین ویژگی‌هاست که باید وقایع این انقلاب بصورت اصولی تجزیه و تحلیل شود. در آمیخته گیها و ارتباط‌های پیچیده و قانع و شناخت اصولی و مهم، برای جلوگیری از سردرگمی و ابهام اجتناب ناپذیر است. توجه باید داشت که در این سال‌ها، نبرد طبقاتی سنگینی در جنبش انقلابی ایران بوقوع پیوسته است»

اکنون پارادکسی که میان اندیشه‌های نخستین بنیانگذاران حزب توده ایران مبنی بر اعتراف بر سهم فوق العاده و بینظیر نیروهای مسلمان و انقلابی در ایران که همانا از نیروهای متشکل از روشنفکران آزاده و اصلاح طلب روشن اندیش مسلمان بوجود آمده بودند و ریشه‌های آنها به افکار و اندیشه‌های مصلح بزرگ و احیاگر اسلام علامه سید جمال الدین افغانی میرسید و کتاب «بازی شیطانی» که توسط یک نویسنده امریکائی برشته تحریر درآمده است کاملاً روشن و واضح است. البته تمسک نسل کنونی حزب توده ایران مبنی بر افراطی ترین مواضع نسبت به اسلام و مسلمانان بر یک اثری همچون «بازی شیطانی» که در شرایط کاملاً دیگری و پس از وقوع حادثه یازدهم سپتمبر برشته تحریر درآمده است بر همان «اسلام تاریخی» است که نه تنها دانشمندان متعهد و راستین جهان اسلام آن قرائت از قرآن و اسلام را مغائر با اصول و مبادی اساسی اسلام می‌شمارند بلکه باور و تمسک بر این گونه برداشت‌ها «شبه اسلامی» از قرآن و اسلام را از تولیدات نظام جهانی سرمایه داری میدانند که از طریق احزاب و سازمان‌های به ظاهر اسلامی «تمامیت خواه» و «ضد کرامت انسانی» و «توجیه کننده گان شرعی» سلطه حاکمان دست نشانده استعمار تحقق میابند. بدون هرگونه تردید عاملین اصلی حوادث یازدهم سپتمبر و انهدام برج‌های دوقلوئی نیویارک و هزاران حادثه‌ای دیگری از کشتار و ترور که در اکناف عالم بنام «جهاد فی سبیل الله!» انجام میشود و با اجرای عملیات انتحاری که یک پدیده زشت در تاریخ اسلام است بازمانده گان و وارثان قرائت آمیخته با خون و خشونت از دین مبین اسلام اند که بنام گروه‌های از قبیل «القاعده و جهاد اسلامی و جیش محمد و دهها هوادار و همکار دیگر آنها روز از کودکان بی‌گناهی را سر می‌برند و زنان را به اسارت می‌آورند.!! اما اینکه چرا و به چه دلیل آن بزرگمرد احیاگر اندیشه‌های

ناب اسلامی چنانچه خود مرحوم سید جمال الدین افغانی نیز از آن شکایت می نمود و در یکی از نامه هایش نیز که قبلاً به آن اشاره گردید از آن اینگونه یادآوری نموده است : « طائفه انگریزیه ، اروسم می خوانند و فرقه اسلامیة ، مجوسم می دانند . سنی ، رافضی و شیعه ء ناصبی ، بعضی از اخیار چهار یار و هابیم گمان کرده اند و بر خی از ابرار امامیه ، بابی ام پنداشته اند و الهیان ، دهری و متقیان ، فاسق و از تقوی بری . عالمان ، جا هل نادان و مومنان ، فاجر بی ایمان انگاشته اند . نه کافر م به خود می خواند و نه مسلم از خود میداند . از مسجد مطرود و از دیر مردود . حیران شده ام که به کدام آویزم و با کدام به مجادله بر خیزم . از رد یکی اثبات دیگری لازم و از اثبات احدی اعتقاد اخیار بر آن جازم ، نه راه فرار که از دست این طائفه گریزم و نه جای قرار که با این فرقه ستیزم . در شهر کابل ، در بالاحصار ، دست بسته و پای شکسته ، نشسته تا از پرده ای غیب چه بر آید و از گردش فلک دون پرور ، چه زاید . فی یوم الجمعه فی ۱۳ شهر رجب ۱۲۸۵ » بصورت واضح و روشن دیده می شود که چگونه از بهترین و بزرگترین چهره ها و شخصیت های پایه گذار نهضت بزرگ اصلاح طلبی دینی در سرزمین های اسلامی و در اوج اسلام به ذلت ترین و نفرت انگیز ترین اتهامات متهم می شدند ، بدون شک علت اصلی آن که در مسیر تمامی تاریخ بشری بویژه کشور های اسلامی به خوبی به مشاهده می رسد ، همانا عقب مانده گی عمومی مردم و جامعه ، نبود پایه های « اجتهاد دینامیک و پویا در جوامع اسلامی » که مسأله باب اجتهاد در اسلام یعنی تحقیقات آزادانه در مسائل دینی و استنباطات نوین دینی و انطباق مذهب با زمان و تحولات تاریخ ، یکی از مسائل عمده ای است که زمینه های عقب مانده گی جهان اسلام را فراهم آورده است ، سلطه ء ظالمانه استعمار جهانی و نظام ثروت اندوزانه سرمایه داری ، استبداد حاکمیت های شبه مذهبی در جهان اسلام ، و اصولاً نگرش ناقص در زمینه ء هستی و کائنات و ترویج این اندیشه که « انسان » نه به مثا به « خلیفه خدا » و تغییر دهنده سرنوشت خود بلکه اسیر دائمی تاریخ است و خداوند (ج) انسان ها را با طبقات و تفاوت های فراوان اذلی خلق کرده اند .!! در چنین شرائط فرهنگی و اجتماعی تاریخی بوده که مردی با ندای ملکوتی عدالت ، و تفسیر انسانی و توحیدی از « جهاد » نه با شمشیر بلکه مجهز با « تعقل و اجتهاد » برخلاف حکیمان دیگر ، بر خلاف نوابغ و اندیشمندان دیگر که اگر نابغه اند مرد کار نیستند و اگر مردان کار اند ، مرد ان اندیشه و فهم نیستند ، و اگر هر دو هستند ، مرد « اجتهاد » نیستند و اگر هر سه هستند مردان پارسائی و پاکدامنی نیستند و اگر هر چهار هستند مردان عشق ، احساس و لطافت روح نیستند و اگر همه هستند خدا را نه می شناسند و خود را در « ایمان » شان گم نه می کنند و تنها موحد اند که شعار می دهند خدا یکی است و « دو تا » نیست !! در اینگونه اوضاع و احوال است که مردی با تحلیل نوین از « دین » و معتقد به « اجتهاد پویا » از اسلام وارد تاریخ شد ، به روایت قریب به اتفاق محققان و « نخبه شناسان » دنیا که در باره اندیشه ها و افکار بلند علامه سید جمال الدین پژوهش های به انجام رسانده اند وی دارای افکار و اندیشه ای اسلامی بود که با اعتقاد بر « اجتهاد پویا » جوامع و کشور های اسلامی را در مأ ورای مرز های قومی ، مذهبی و نژادی حتی جغرافیایی به سوی اسلام اصیل و با قرائت انسان سالار فرا می خواندند ، هرچند وی از لحاظ مذهبی در یک خانواده ای تولد یافته بود که از سلاله ای « سنت و جماعت » به حساب می آمد . به قول « جواهر لعل نهرو » یکی از نامدار ترین چهره های نهضت آزادی خواهی هند ، « بزرگترین اصلاح طلب قرن نوزدهم در مصر سید جمال الدین افغانی بود که یک پیشوای مذهبی بود و می خواست اسلام را از راه آشتی و سازش با مقتضیات دنیای جدید به صورت تازه در آورد . سید جمال الدین می گفت که تمام ترقیات را میتوان با اسلام آشتی داد و درست کرد . کوشش او برای احیای اسلام و صورت تازه بخشیدن به آن به کوشش های که در هند برای احیای آئین هندو به عمل آمد شبا هت داشت ، اساس این کوشش ها برای آن است که به تعلیمات کهنه و قدیمی باز گردند و برای آیات و دستورات قدیمی معانی و مفاهیم تازه ای بیا بند و آنها را به شکل تازه ای تفسیر کنند . به باور آقای نهرو روش علم و دانش جدید یک نوع دنباله یا یکنوع تفسیر و توجیه تازه ای از علوم مذهبی قدیمی است . بدیهی است که این روش با روش علمی ای که بدون اعتناً به چنین چنین پیوند های قبلی ،

جسورانه به پیش می‌رود ، تفاوت بسیار دارد . لهذا نفوذ سید جمال الدین افغانی بسیار زیاد بود و نه فقط در مصر بلکه در تمام کشور های عربی و اسلامی اثر بجای می گذاشت . « به نظر سید جمال الدین افغانی یک از راه های مؤثر مبارزه با پدیده ء غرب زدگی شناختن واقعی و راستین غرب است . زیرا بسیاری از نخبه گان در جوامع شرقی بویژه افغانستان که تظاهر به فرنگی مآبی می کنند و شیفته و شیدای تمدن غرب اند ، جوامع غربی و فرهنگ آنرا بخوبی نه می شناسند . بدون تردید مرحوم علامه سید جمال الدین افغانی یک روح چند بعدی مسلمان است ، او نه تنها کوشید تا اعضای متلاشی شده اندیشه های اسلامی را که در طول تاریخ به وسیله خدعه های سیاسی و یا گرایش ها و آنها مات ضد و نقیض فلسفی و اجتماعی که از سوی برخی از نویسندگان و تحلیل گران نامداری همچون **روبرت دریفوز ROBERT DREYFUSS** نویسنده رساله « بازی شیطانی » و دیگران برشته تحریر در آمده است ، قطعه ، قطعه شده است و هر قطعه ای از آن در میان گروهی نگاهداری میشود جمع کند و تجدید بنا سازد ، که بدون شک انجام این عمل اصلاح گرایانه نه تنها تجدید بنای تفکر اسلامی است بلکه شاهکار عظیم ترش ساختن شخصیت بی بدیل خودش است که به عنوان یک مصلح بزرگ و پیشوای نامدار نشسته بر منبر زمان ، ندای ملکوتی خود را از حلقوم تمامی نسل ها و تمامی عصر ها بیرون کشیدند ، اکنون ناگزیر قسمت دوم بخش اول رساله « بازی شیطانی » اثر نویسنده امریکائی آقای **روبرت دریفوز ROBERT DREYFUSS** را که توسط شخصی بنام « فروزنده فرزاد » به زبان فارسی برگردانده شده است غرض اطلاعات خواننده گان ارجمند تقیم می کنم . در سال ۱۸۸۵ درست صد سال پیش از آن وقت که دولت ریگان با واسطه « مک فرلین » در اوج جنگ عراق وارد معامله ای پنهانی برای فروش سلاح با ایران شد ، و یک قرن پیش از آن که ایالات متحده امریکا ملیارد ها دالر هزینه مالی صرف کمک به مجا هدین بنیاد گرائی اسلامی افغانستان در جنگ ضد شوروی کند سیاست گردانی دوره گرد ، افغانی ، ایرانی تبار با سیاستگذاران سیاست خارجی و مأ موران امنیتی انتلیجنت سرویس بریتا نیا برای طرح ایده ای ستیزه گر دیدار کرد . او با خود می اندیشید که آیا بریتا نیا خواهان حمایت از سازمان دهی جنبش پان اسلامی در میان کشور های مصر - ترکیه - ایران - و افغانستان ، ضد روسیه تزاری خواهد بود . این منطقه از جهان (خاور میانه) میدان بازی و هما وردی بلند مدت امپریالستی میان روسیه و انگلستان بر سرکنترل آسیای مرکزی بود . بریتانیا که بر هند تسلط داشت پیشتر در سال ۱۸۸۱ کنترل مصر را نیز به چنگ آورده بود . همچنین ، امپراطوری ترکان عثمانی ، که شمال عراق ، سوریه ، لبنان ، اردن ، فلسطین ، عربستان سعودی و شیخ نشین های خلیج فارس می شد ، در حال فرو ریختن بود از این پس بزرگترین مستعمرات امپریالستی در آفریقا و آسیای جنوب غربی در حال پیدایش بود . وبریتانیا که اسناد بهره برداری از وابسته گی های قبیله ای ، قومی و مذهبی و نیز به جان هم انداختن اقلیت ها برای تحکیم دسیسه چینی برای پرورش و احیای جنبش اسلامی و سود مند در راستای اهداف خویش می پرداخت . روسیه و فرانسه نیز در این اندیشه بودند ، اما انگلیسها با کمک ده ها ملیون مسلمان خاورمیانه و جنوب آسیاگوی را از رقبای خود ربودندمردی که در ۱۸۸۵ متشکل ساختن من با تقدیم نخستین قسمت بخش دوم کتاب « بازی شیطانی » قضاوت را به خواننده گان ارجمند واگذار میکنم .

یا دداشت : در نوشتن این اثر از این منابع استفاده بعمل آمده است

- ۱ : کتاب « بازی شیطانی » نوشته آقای **روبرت دریفوز ROBERT DREYFUSS**
- ۲ : تاریخ افغانستان (تتمة البیان فی تاریخ افغانستان) علامه سید جمال الدین طبع اول ۱۳۱۸ چاپ بمبئی
- ۳ : شماره ۱۲ دسامبر ۱۹۸۲ مجله صلح و سوسیا لیزم چاپ پراگ ، چکو سلواکیا مقاله احسان طبری نقش مذهب و پایگاه طبقاتی مبارزان مذهبی در ایران
- ۴ : سخنرانی علامه مودودی تحت نام « بنیاد های اخلاقی نهضت اسلامی »

- ۵ : مجله عروة الوثقی چاپ بیروت
- ۶ : زندگانی و سفرهای سید جمال الدین افغانی نوشته علی اصغر حلبی
- ۷ : زعم الصلاح فی عصر الحدیث ، احمد امین- قاهره
- ۸ : جمال الدین الافغانی (حیات و فلسفته) دکتر محمود قاسم - قاهره
- ۹ : « به پیشواز بیدارگر عصر » نوشته محترم خواجه بشیر احمد انصاری منتشره در سایت « سرنوشت »
- ۱۰ : نگاهی به تاریخ جهان نوشته جواهر لعل نهرو ترجمه محمود تفضلی
- (۱) چاه جمکران چاهی است که در نزدیکی شهر مذهبی قم موقیعت دارد و برخی از شیعیان عقیده دارند که امام زمان از همین محل ظهور خواهند کرد ، که اخیراً نیز ملیارد ها تومان بودجه برای اعمار تأسیسات این چاه از سوی دولت احمدی نژاد در نظر گرفته شده است .

یاهو

هالند ۲۴ دسمبر ۲۰۰۷